

خواهران و برادران عزیز!

شکستن نان با گرسنگی چیزی است که قبلاً در آیین یهود نقش مهمی داشته است و اولین جامعه مسیحی در اورشلیم مراقبت از فقرا را به عهده گرفت. هیچ کس در کلیسا نباید گرسنه میماند یا سختی بکشد. به ویژه زنان بیوه به این حمایت احتیاج داشتند. و بنابراین ، علاوه بر سرویس دهی و انجام کارهای مربوط به خطبه و کلمه ، یعنی اعلام انجیل و نماز ، وظیفه مهم جماعت این بود که خدمات را در سفره ارائه دهند. و اینگونه است که امروز نیز آن را در Prüm داریم: نافل جایی که که در آن افراد نیازمند می توانند غذا تهیه کنند. شاید لازم باشد آنرا نوعی آشپزخانه سوپ تصور کنیم که در آن می توانید پشت میز بنشینید و از آن سیر بخورید. نتیجه این سرویس میز هرچه باشد ، اصلکار آن واضح و مشخص بوده است : هرکسی که نیازمند است باید از آن سیر شده باشد.

مفهوم عالی در واقع و دقیقاً همان چیزی است که توسط خیریه فعال درک می شود. اما: در عمل ، همه چیز به خوبی عملی نشد و پیش نرفت ، که باعث نارضایتی در جامعه اورشلیم شد. در این میان ، لوقا در داستان حواریون گزارش می دهد که جماعت به قدری محبوب شده اند که تعداد زیادی از اعضای جماعت در آنجا بودند. در ضمن ، لوقا در داستان حواریون توصیف میکند که این تجمعات به قدری محبوب شده بودند که تعداد زیادی از اعضای جماعت نیز در آنجا حضور داشتند. و ظاهراً ۲ گروه در کلیسا تشکیل شده بودند: یک گروه از مسیحیان یهودی که زبان آرامی داشتند و گروه دیگری از مسیحیان یهودی یونانی زبان. شاید ما بتوانیم این را کمی در اینجا در Prüm درک کنیم ، جایی که اکنون یک جامعه فارسی زبان نسبتاً گسترده و بزرگ در جماعت خود داریم. خوشبختانه - حداقل احساس من این است - زندگی مشترکی بین گروه های ایرانی و آلمانی در اجتماع بسیار هماهنگ وجود دارد. اما در برهه ای از زمان ، در اورشلیم چنین نبود. یهودیان جماعت یونانی زبان شکایت داشتند که بیوه هایشان هنگام خدمت در سفر نادیده گرفته می شدند.

این و راه حلی که برای آن یافت شده است ، توسط لوقا در داستان حواریون در فصل ۶ اعمال رسولان در آیات ۱-۷ آورده شده است:

در آن ایام که شمار شاگردان فزونی می یافت، یهودیان یونانی زبان از یهودیان عبرانی زبان گله کردند که بیوه زنان ایشان از جیره روزانه غذا بی بهره می مانند. پس آن دوازده رسول، جماعت شاگردان را فراخواندند و گفتند: «شایسته نیست که ما برای غذا دادن به مردم، از خدمت کلام خدا غافل مانیم. پس ای برادران، از میان خود هفت تن نیکنام را که پر از روح و حکمت باشند برگزینید تا آنان را بر این کار بگماریم» و ما خود را وقف دعا و خدمت کلام خواهیم کرد.»

این سخن همگان را پسند آمد. پس استیافان را که مردی پر از ایمان و روح القدس بود، به اتفاق فیلیپس، پروخروس، نیکانور، تیمون، پرمیناس و نیکولائوس، که از یهودی شدگان آنطاکیه بود، برگزیدند. این مردان را نزد رسولان حاضر کردند و رسولان دعا کرده، بر ایشان دست گذاشتند. پس نشر کلام خدا ادامه یافت و شمار شاگردان در اورشلیم به سرعت فزونی گرفت و جمعی کثیر از کاهنان نیز مطیع ایمان شدند.

صادقانه بگویم: به نوعی کاملاً اطمیناندارم که حتی در کلیسای اولیه همه چیز "با آرامش ، شادی ، و مثل یک کیک شیرین " نبود. من فکر می کنم که این امر امروز نیز فشارهایی را بر ما وارد می کند ، در شرایطی که اوضاع در اجتماعات ما مطابق خواسته ما نیز پیش نمی رود. لوقا آنچه را که از نظر او بی تجربگی بوده است

مطرح می کند: این واقعیت است که تعداد شاگردان ، یعنی مسیحیان ، در اورشلیم افزایش یافته است. در واقع وقتی کلیسا به همین شکل رشد می کند ، وقتی خیلی ها می خواهند به عیسی تعلق داشته باشند ، بسیار عالی است. اما هرچه افراد بیشتر دور هم جمع شوند ، گاهی اوقات زندگی مشترک دشوارتر میشود . هر کس دارای ویژگی ها و حساسیت های خاص خود است ، هر کس نظر خود را در مورد اینکه چگونه باید یا نباید پیش رود دارد. شاید شما این را از خانواده خودتان بدانید ، اما وقتی افراد بیشتری دور هم جمع می شوند ، همه چیز گسترش می یابد.

و به نظر من چیز دیگری در مورد نحوه این توصیف ها و این ناسازگاری ها و نارضایتی ها توسط لوقا تسکین دهنده است : من احساس می کنم که او این مسئله را بد نمی داند که مشکلاتی در کلیسای اولیه وجود دارد. در هر صورت ، من تصور می کنم که او خیلی صریح آن را توصیف می کند. من فکر می کنم این به این دلیل است که لوقا بر روی مسئله ای که وجود داشت تمرکز نمی کند ، بلکه به جستجوی راه حل می پردازد. و این چیزی است که می خواهم قطعه بزرگی از آن را برش داده و با خود به خانه ببرم! چند وقتی است که خودم را در گیر کرده ام که به جای اینکه انرژی خود را در جستجوی راه حل صرف کنم ، روزها از یک مسئله شکایت کنم و بیشتر و بیشتر در آن فرو می روم.

و وقتی نوبت به حل مسئله می رسد ، من فکر می کنم ما می توانیم از جامعه اولیه چیزی یاد بگیریم.

مرحله ۱: با یکدیگر صحبت کردن!

این خیلی مهم است ! که در مورد هم صحبت نکنید ، پشت سر یکدیگر شکایت نکنید ، به هر حال همه افراد درگیر را سر میز بیاورید و با هم به دنبال راه حل باشید. رسولان به محض شنیدن مشکل در جماعت ها همه را به جلسات را فرا می خوانند.

مرحله ۲: گشودگی و تفویض اختیار

در اعمال رسولان ۱۲ به روشنی بیان می کند که چه کاری می توانند و چه نمی توانند انجام دهند: اگر خواهیم فقیران را سیر کنیم ، پس باید از خدمت به کلام خدا غافل شویم. و این خوب نیست به همین دلیل است که آنها پیشنهاد می دهند سرویس میز اختصاص داده شود.

مرحله 3: شنیدن

راهکار پیشنهادی در عمل عملی می شود و از جامعه نظر می گیرد. اعتراف می کنم: به همان سادگی که لوقا در اینجا به آن می گوید (کل مردم سخنرانی را دوست داشتند) ، البته در مورد ما معمولاً به همین سادگی نیست. غالباً تلاش برای دستیابی به بهترین راه حل وجود دارد و در پایان غالباً فقط یک تصمیم اکثریت وجود دارد که دیگران مجبورند در برابر آن سر تعظیم فرود آورند. هنوز هم مهم است که دور هم جمع شویم و سخنان تک تک آنها را بشنویم. و گاهی اوقات شرم آور است که فقط کسری از کلیساها از این حق استفاده می کنند و به جلسه کلیسا می آیند.

مرحله چهارم: اجرا

همچنین این بسیار مهم است ، چرا که بهترین راه حل در صورت عدم اجرای آن چه فایده ای دارد؟ و هنوز چیزی در پیشنهاد رسولان برای راه حل وجود دارد که می تواند تا امروز نیز منتقل شود: بار کار فقط به دوش یک نفر نیست بلکه در بسیاری از افراد تقسیم می شود: بیش از ۷ شانه. همه مردان انتخاب شده از گروه مسیحیان یهودی زبان یونانی هستند ، همانطور که از نام آنها مشخص است. بنابراین مشکل برای این گروه حل نمی شود ، بلکه با کمک گروه حل می شود. همچنین چیزی که مهم است و اغلب نادیده گرفته می شود: حل نکردن مشکل برای افراد آسیب دیده است ، که باعث می شود شما مسئولیت آنرا به عهده بگیرید. و در واقع شما می توانید در این مرحله ببندید و بگویید: مشکل حل شد!

اما لوقا این کار را نمی کند ، او یک چیز دیگری را به ما می گوید

مرحله ۵ ، که اکنون آن را "درخواست کمک خدا" خوانده ام.

رسولان دعا کردند و دستشان را روی سر آنها گذاشتند. نوعی تنظیم کردن ، انتصاب کردن یا اگر این کلمات خیلی بزرگ و دشوار به نظر می رسند: درخواست برکت خداوند بر مردم و کارهایی که آنها انجام داده اند. و همچنین به نظر من این نکته مهم را باید به خاطر بسپارم: اینکه ما تنها نیستیم ، نه با وظایف و نه با مشکلات خود ، بلکه همیشه می توانیم از خدا کمک و پشتیبانی بخواهیم. و چگونه یک از اعضا شورای Gerolstein هنوز هم می گوید؟ هیچ مشکلی وجود ندارد ، فقط چالش است! با این اوصاف ، برای همگی آرزوی موفقیت می کنم برای همه چالش هایی که در آینده نزدیک ، چه در جامعه ، به صورت خصوصی یا حرفه ای ، با آن روبرو خواهیم شد.

آمین